

گفت‌وگو با «پوریا مرادی»، فعال محیط‌زیست که از ۱۴ سال پیش برای اطفای حریق تالابی در شمال فارس تلاش می‌کند

به‌خاطر «آسپاس» تالاب تنهای سوزان

گزارش «پیام ما» از شب «میراث فیروز»

«اسکندر فیروز»؛ خالق هنر حفاظت

■ اسماعیل کهرم: از بی‌توجهی کسانی که در بخش امور تالاب‌ها و دریاچه‌ها بودند، گله داشت و می‌گفت: «۱۵۳ تالابی را که ما با جان و دل و مشکلات فراوان حفظ کرده بودیم، چگونه به این وضع درآوردند و چه کسی اجازه این کار را داد؟»

مؤسس «موزه گوران» از تلاش جامعه محلی
برای احیای میراث دریایی قشم می‌گوید

«جایکا» رفت ما ماندیم ولنج‌های چوبی

در جست‌وجوی نسخه‌های
کمیاب و گران

دارو، به‌رغم ادعای مقام‌های دولتی
همچنان با کمبود و افزایش مداوم
قیمت مواجه است

فرزند راستینِ ایران

یادبود اسماعیل یغمایی
باستان‌شناس پیشکسوت، برگزار شد

طبیعت به‌عنوان

میراث ملی؛ درس
«اسکندر فیروز»

ایهمن ایزدی |

اپیش‌کسوت محیط‌زیست |

وطن‌پرست بود

در عمیق‌ترین
مفهومش

ایهان‌راز کریمخانی |

اکارشناس ارشد

محیط زیست |

معمار حفاظت

از طبیعت
ایران

ایران علا |

ا همسر اسکندر فیروز |

پریختن و فرهیختن

چیزهایی در درون ما بمیرد.»

برخی پرنندگان پربریخته، مانند گونه‌هایی از مرغابی‌ها، موقتاً قدرت پرواز را از دست می‌دهند. اصطلاحاً می‌گویند در وضعیت پروبال قرار دارند. این وضعیت، زمان انتظار کوتاهی برای روییدن پرهای لازم و نو برای پرواز است. پرنده در خلوت خود سر در گریبان فرو می‌برد و بی‌سروصدا زندگی می‌کند. صوری پیشه می‌کند و به انتظار نوزایی می‌ماند. شاید می‌دانند این مدت خاموشی و در خود نگریستن، همانند بال زدن پروانه‌ای کوچک، زمینه هيجان پروازی امن در میان طوفان‌ها و آشوب‌های بی‌شمار آینده است. باید به فرصت بهیودی تن داد. باید گاهی نشست و به درون خود نگاه کرد. اندکی بی‌کنشی بد نیست. در تائویسیسم به آن می‌گویند «وووی» (Wu Wei).

می‌گویم: «حالا کمی افق دید خودتان را گسترش دهید. آزمون نهایی، گرفتن دیپلم و ورود به دانشگاه فقط بخش کوچکی از زندگی است. بر این زندگی، اهداف دیگری هم مترتب است که بهانه‌های خوبی برای شوق بودن و اشتیاق زیستن‌اند؛ مانند امید به ساختن و ماندن و سیر در پهنه آسمان همان جغرافیایی که مارشال زندانش نامیده و محکوم به نابودی‌اش می‌داند. شما همان پروانه‌اید؛ بال‌بال بنیزد و جهت‌گیری خود را درست انتخاب کنید. آن‌وقت می‌بینید این گستره عجیب در قلب زمین، به نام ایران، حالش خوب می‌شود؛ آن‌قدر که حال همه دنیای ما خوب شود.»

سپنتا می‌پرسد: «آقا، پس من معنای نام خانوادگی‌ام را فهمیدم.»

می‌گویم: «عزیزم، تو پرهیخته‌ای، نه پریخته؛ اما مسیر هر پرهیختگی - فرهیختگی - از میان سکوت، رنج و صبری زمان‌های پریختگی عبور می‌کند. شک نکن.»



شده، دیگری مرده است. این همان جبر تاریخ است که طبیعت آن را اعمال می‌کند.

آن یکی می‌گوید: «آقا، اصلاً چرا ما باید اینجا به دنیا می‌آمیدم؟» چه می‌توانی بگویی؟ یک لحظه دلم می‌خواهد کلاس را به فضای نظریات تیم مارشال و پیتر زاپیان ببرم. دومی همین اواخر در یک سخنرانی گفته بود آمریکا جغرافیای پیروز را دارد و حتی اگر یک میمون رئیس‌جمهور اروپا تا شرق دور، در زندان جغرافیا گرفتارند و شکست آنها محتوم است. سعی می‌کنم همه این افکار را درز بگیرم و

آیا شود، باز هم موفق می‌شود. جز آمریکا، بقیه جهان، از اروپا تا شرق دور، در زندان جغرافیا گرفتارند و شکست آنها محتوم است. سعی می‌کنم همه این افکار را درز بگیرم و لورنتس، ریاضی‌دان و هواشناس، هنگام اجرای یک مدل ساده هواشناسی، عددی را گرد کرد. او عدد ۵۰۶۱۲۷/۵ را به ۵۰۶ هزار گرد کرد و به سیستم داد. با همین تغییر اندک، خروجی سیستم کاملاً متفاوت شد. او دریافت که سامانه‌های جوی به‌شدت به شرایط اولیه حساس‌اند و این کشف، پایه نظریه آشوب شد. لورنتس در سخنرانی معروف خود در سال ۱۹۷۲ این پرسش را مطرح کرد: «آیا بال زدن یک پروانه در برزیل می‌تواند باعث وقوع گردبادی در تگزاس شود؟»

بعدها تأثیر این نظریه در اقتصاد، زیست‌شناسی و علوم اجتماعی نیز دیده شد. مثلاً در زیست‌شناسی گفته می‌شود تغییرات کوچک در جمعیت‌ها می‌تواند مسیر تکامل را تغییر دهد.

پیتر زاپیان درباره ایران پس از انقلاب به مشکلی اشاره می‌کند و آن، کاهش نرخ باوری جمعیت است. او پیش‌بینی می‌کند ایران با جمعیتی رو به سالمندی و کاهش نیروی کار جوان مواجه می‌شود. زاپیان این دو عامل را زمینه‌ساز آشوب‌های آینده در جغرافیای ایران می‌داند. در جامعه‌شناسی هم همین است؛ غفلتی کوچک می‌تواند بهار عربی به بار بیاورد. اما امثال مارشال و زاپیان که زیرپوستی می‌خواهند بگویند همه درجه‌دو و درجه‌سه‌اند و فقط آمریکا پیروز قطعی است، در حال بسط امپراتوری آشوب به‌جای نظم جهانی‌اند. من چگونه می‌توانم به دانش‌آموزم بگویم کوچک‌ترین حرکت متخاصمانه امپراتوری آشوب و دیکتاتوری مالی چه تأثیرات مخربی در این سال‌ها بر زندگی ما گذاشته است؟ چگونه باید در میان آشوب‌های این سال‌ها و در گیرودار جنگ‌ها به آنها بفهمانم که امید را بسط دهند و نیلوفری زیبا در میانه مرداب باشند؟

یاد پرنده‌گانی می‌افتم که با پریزی و در لک رفتن، پرهای کهنه را برای رویاندن پرهای جدید و زیباتر از دست می‌دهند. آنها با علم به اینکه عقاب و شاهین در پهنه آسمان حکم می‌رانند، این فرایند ویرانی را برای نوسازی پیکر خود پذیرا می‌شوند. می‌گویم: «شاید امسال باید بنشینید و ببینید با خودتان چندچندید. این را برای موفقیت و ایجاد انگیزه در رقابت درسی نمی‌گویم؛ کلاً برای زندگی عرض می‌کنم. زمان‌هایی هست که باید دگرگون شویم؛ در لحظه‌های تعیین‌کننده‌ای خاص، حتی مثلاً در میانه جنگ. باید



عبدالرضا عابدیان |

پژوهشگر فرهنگی |

معلم که باشی، خستگی را از چشمان دانش‌آموزت می‌فهمی. من همیشه وقتی معلم پایه دوازدهم هستم، تپش قلب می‌گیرم. سرنوشت دانش‌آموز در این پایه رقم می‌خورد و نمی‌توان بی‌تفاوت بود. همه پایه‌های دیگر به کنار، در پایه دوازدهم باید به تمام آنچه دانش‌آموز تا آن زمان، مثلاً در درس زیست‌شناسی، آموخته است، شکل بدهی. خستگی را از تنش در پیابوری و به او انگیزه بدهی. اگر درست سر بزنگاه، در راه رسیدن سستی می‌کند، باید بیدارش کنی و هلش بدهی تا برسد. انگار در این نقطه از آموزش باید مخاطب را آماده کنی تا وارد شکل سهمگینی از رقابت برای راه یافتن به دانشگاه شود؛ رقابتی که می‌دانی سرخستی و تلاش مداوم می‌خواهد و کمتر دانش‌آموزی از این مهلکه سر بلند بیرون می‌آید.

من البته تمام سعی‌ام این است که از چنین قاب فرارگیر و تعریف‌شده‌ای بگیریم. سعی می‌کنم در این پایه حساس، به تمام کوشش‌ها و تقلاهایی که شاگردانم به زعم خود تانکون انجام داده‌اند، معنا ببخشم؛ به‌خصوص که زیست‌شناسی همیشه برایم علمی بوده است که با فلسفه و تاریخ اصطکاکی گریزنایپذیر دارد.

جنگ اخیر، تاریخ و جغرافیای دانش‌آموز مرا تحت‌تأثیر قرار داده است. تاریخ، به‌عنوان پاره‌ای از زیست‌شناسی، قوانین زیستی را به درس‌های بنیادی خود تبدیل کرده است؛ چنان‌که حیات را سراسر رقابت و مبارزه برای زندگی می‌داند. می‌گویم: «حتی اگر آن چنان درس نخوانده‌اید، صبح‌های بسیاری از خواب خوش زده‌اید و ناشتا به مدرسه رفته‌اید. وقت خود را صرف کرده‌اید و اکنون باید از این همه آزمون، نخواستن و خواندن تصبی ببرید.»

آنها نباید جنگ را بهانه‌ای برای کم‌کاری خود بدانند، چراکه صلح همیشه نوعی تعادل ناپایدار در سایه جنگ بوده است؛ تعادلی که گاه با پذیرش برتری و گاه با تساوی قدرت برقرار می‌شود. صلح بسیار شکننده و گاهی فریبنده است، چراکه بشر در لویای صلح، نقشه جنگ‌های فراوانی را کشیده است. تمدن‌ها و دموکراسی‌ها نیز نتوانسته‌اند از شدت این جنگ‌ها بکاهند.

گوش‌هایشان تیز می‌شود. یکی می‌گوید: «آقا، ما که نمی‌توانیم سری میان سرها در بیاوریم. سهمیه هنوز هست، مدارس خاص هنوز هستند، شهریه‌های نجومی مدارس خاص، پایش‌ها و مشاوره‌های خاص هم هستند.» اما تا بوده، همین بوده است؛ چراکه انتخاب طبیعی از همان آغاز تاریخ به کنار هم قرار گرفتن آزادی و برابری خندیده است. تاریخ می‌گوید هرگاه یکی از این دو غالب

هم سفر قبرسی

احسان امینیایی |

پژوهشگر |

خود را در مراکز تفریحی خرج می‌کنند.

با تجربه زندگی در ایران، پیش‌خدمت مگر چنین نگاهی ممکن است؟ حتی اگر قبرس یکی از مراکز تفریح، قمار و البته پول‌شویی اروپا و جهان باشد، باز هم چنین چیزی باورکردنی نیست. آقا مهدی با اشاره به حمایت‌های دولتی از شهروندان، خدمات درمانی رایگان و حمایت از بازنشستگان، به این تعجب من نیز پاسخ داد. البته به نظر می‌رسد هزینه مسکن، مانند ایران، بالاست. مثل اغلب کشورهای دیگر، مالیات بخش قابل‌توجهی از درآمد‌های دولت را تشکیل می‌دهد و فرار از پرداخت آن نیز بسیار دردسرساز و مشکل‌آفرین است. آقا مهدی در ادامه از اجرای جدی قوانین سخت‌گیرانه رانندگی گفت: از جایی که می‌توان خودروهای روز دنیا را با قیمت مناسب و حتی به تعداد زیاد خرید، اما نمی‌توان مانند ایران هرطور که خواستی رانندگی کنی و دلخوری‌ها و خشم‌هایت را بر سر جاده و خودرو خالی کنی.

به گفته او، جریمه‌ها از ۵ هزار لیر ترکیه، معادل حدود ۴۰ میلیون تومان، آغاز می‌شود و تا ۱۲ هزار لیر، معادل ۴۸۰ میلیون تومان، ادامه دارد. افسران پلیس با خونسردی و احترام می‌گذرانند با تلقن همراه خود هنگام رانندگی صحبت کنند، اما بعد با جریمه‌ای ۴۳ هزار لیری، معادل ۱۷۲ میلیون تومان، شما را نقره‌داغ می‌کنند.

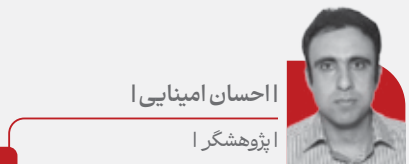
این هم‌سفر فزنگ‌رفته در پنج سال اقامتش تصادف چندانی را به خاطر نداشت. البته این نظم آهنین را تقریباً در تمامی مستعمرات سابق بریتانیا می‌توان دید. امنیت در تمام ساعات شبانه‌روز واصل بودن همه اجناس، از دیگر نکات قابل‌توجهی بود که هم‌سفر خارج‌رفته ما به آن‌ها اشاره کرد.

من که مشتاقانه به خاطرات او گوش می‌دادم، رنج دیسک گردن را به جان خریدم و همچنان از دوستی که در طبقه دوم کوپه‌لم داده بود، متمسکانه اطلاعات می‌گرفتم. در همان حال، ناخودآگاه اطلاعاتی را که می‌شنیدم با شرایط موجود در ایران مقایسه می‌کردم.

در بیشتر این زمینه‌ها، از جذب گردشگر و حفاظت از محیط‌زیست گرفته تا ایجاد امنیت پایدار، کشور ما ناکام مانده است. دوست گرمی با وجود همه این تعریف‌ها، جمله معروف، تکراری و متناقض «هیچ‌جا ایران نمی‌شود» را بر زبان آورد؛ جمله‌ای که تقریباً از زبان بیشتر مهاجران ایرانی شنیده می‌شود. جمله عجیبی است. احتمالاً نمونه عربان آن را بتوان در این شعر دید: «اگر گریزم، کجا گریزم؟ و اگر بمانم، کجا بمانم؟»

هم‌سفر خوش‌صحبت را رها کردم، نگاهی به هم‌سفران غرغروی وطنی انداختم و ساکت شدم. من ماندم و این پرسش بزرگ: آیا ما ملتی همیشه معترض و شکی هستیم؟ این همه مهاجرت از میان تمام گروه‌های اجتماعی، چه بر سر ما آورده و در آینده چه بر سرمان می‌آورد؟

قطار تکان سختی خورد و من از رقصایاه‌ها نه‌چندان شیرینم بیرون آمدم. وقت خواب بود. امیدوار بودم قطار تأخیر بیشتری داشته باشد، اما انگار لک کرد و ساعت چهار صبح وارد ایستگاه شد. حتی در آن وقت صبح هم تگرانی‌ای بابت پیداکردن تاکسی‌یاسنپ نداشتیم...



من سفر با قطار را خیلی دوست دارم؛ نه صرفاً به‌خاطر راحتی، امنیت و قیمت مناسب آن، بلکه بیشتر به‌خاطر دوستی‌های موقت اما گاه جذابی که در قطار شکل می‌گیرد. انبوهی از اطلاعات تجربی ارزشمند درویدل می‌شود و ایده‌های تازه‌ای در ذهن آدم شکل می‌گیرد. حتی بحث‌های داخل قطار و کدورت‌های لحظه‌ای آن هم جالب است. امکان شکل‌گیری چنین اجتماعی در اتوبوس و هواپیما وجود ندارد؛ چون نه زمانش هست و نه حوصله‌اش. در هر دو نیز عامل ترس و اضطراب حرف اول را می‌زند.

دیشب هم یکی از آن سفرهای جالب بود. هم‌سفران ما یک سرباز جوان، یک بازاری و یک نفر با شغل آزاد بودند. از رنج رخسار سرباز و بازاری می‌شد همه‌چیز را فهمید و نیازی به گفت‌وگوی آن‌چنانی نبود. اما ماجرای نفر سوم متفاوت بود. لیخنندی بر لب و آرامشی در چهره داشت. در این شرایط بحرانی و میان حوادث لحظه‌ای چنین آرامشی غیرمعمول بود.

کنج‌کاوی امانم را برید و بی‌پدمه پرسیدم: «شغل شما چیست؟» مرد جوان جواب داد: «در خارج از ایران شرکت بازاری دارم.» پاسخ او تعجب و حیرت مرا برطرف کرد. خب، ایشان این دوسال را دور از معرکه و سرزمین بلاخیز مادری گذرانده بود و طبیعی بود که این چنین خونسرد و خوش‌بینانه اتفاقات پیش رو را تحلیل کند. پرسش بعدی من درباره موطن دوم او بود و همین، بحث را حساسی گرم کرد. حدود پنج سال بود که در قبرس زندگی می‌کرد. من نیز در مقام مجری این گفت‌وگو، فرصت گله‌گذاری‌های تکراری را از هم‌کوپه‌ای‌های عزیز گرفتم و میدان بحث را تمام‌و‌کمال در اختیار دوست قبرسی قرار دادم.

ابتدا علت هجوم ایرانیان برای ادامه تحصیل در این کشور، با وجود دانشگاه‌های نه‌چندان معروف و معتبر آن را پرسیدم. البته پاسخ چندان دشوار نبود. هم‌سفر ما دریافت آسان‌تر ویزی تحصیلی و فرار موقت از کشور را از دلایل این استقبال دانست. خب، قبرس مستعمره سابق بریتانیاست، دروازای به اروپا محسوب می‌شود و بخشی از آن نیز در اتحادیه اروپا قرار دارد؛ بنابراین شاید بتوان از طریق ورود به آن، آسان‌تر مهاجرت کرد. هم‌سفر ما در آنجا شرکت بازاری داشت، به گفته خودش، اقامت پنج‌ساله‌اش به‌زودی کامل می‌شد و پس از آن پاسپورت این کشور را دریافت می‌کرد. او از کشوری دوتکه برای ما گفت: از بخش شمالی که در اختیار ترک‌هاست و بخش جنوبی که جمهوری قبرس بر آن حکومت می‌کند. بریتانیا نیز دو پایگاه مستقل در این جزیره دارد و یونان از نظر تاریخی و سیاسی با بخش یونانی‌نشین آن پیوند نزدیکی دارد.

او از سرزمینی دوتکه با دو ساختار سیاسی جداگانه، اما آباد، امن و برخوردار از سطح رفاهی مطلوب سخن می‌گفت؛ جایی که مردم روزها کار می‌کنند و شب‌ها پول



۱۳۹۸

دارو، به‌رغم ادعای مقام‌های دولتی، همچنان با افزایش مداوم قیمت و کمبود مواجه است

در جست‌وجوی نسخه‌های کمیاب و گران

نسخه بسیاری از بیماران این روزها، پیش از آنکه به دارو برسد، به جست‌وجویی طولانی میان داروخانه‌ها و محاسبه دوباره هزینه‌ها ختم می‌شود. این وضعیت در حالی ادامه دارد که مقام‌های دولتی از کاهش کمبودهای دارویی سخن می‌گویند.
باین‌حال، داروسازان معتقدند تصویر ارائه‌شده تنها بخشی از واقعیت است و بازار دارویی کشور همچنان با کمبود بیش از ۳۰۰ قلم دارو و گرانی روزافزون آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند؛ شرایطی که ممکن است بسیاری از بیماران را به صرف‌نظر کردن از ادامه درمان وادار.



ایاس مختاری

روزنامه‌نگار

دارو، به‌عنوان یکی از حیاتی‌ترین و راهبردی‌ترین کالاهای در هر جامعه، این روزها به‌رغم اظهارات مقام‌های دولتی و برخی نمایندگان مجلس، همچنان از نظر موجودی و قیمت در وضعیت نامناسبی قرار دارد. بسیاری از بیماران، ازجمله بیماران خاص و نادر، علاوه بر تحمل رنج بیماری، باید رنج یافتن دارو را نیز به جان بخرند. از سوی دیگر، افزایش مداوم قیمت دارو سبب شده است برخی بیماران از ادامه درمان خود صرف‌نظر کنند و با درد مداوم به زندگی ادامه دهند. خانواده‌های آنان نیز آب شدن شمع زندگی‌شان را با چشمانی اشک‌بار به نظاره نشسته‌اند.

❖ تصویر غیرواقعی کمبود دارو از منظر دولت
به‌رغم کمبودها و گرانی روزافزون دارو، مقام‌های دولتی ازجمله «مهدی پیرصالحی»، معاون وزیر بهداشت و رئیس سازمان غذا و دارو، بخشی از کمبودهای اعلام‌شده را غیرواقعی می‌دانند. کمبودهای اعلام‌شده را بخشی از آنچه به‌عنوان کمبود دارو مطرح می‌شود، ناشی از درخواست برای برندهای خاص خارجی است. در بسیاری از موارد، داروهای

حتی به ۴۳ قلم رسید که گویای تقویت چشمگیر فرایند تأمین و توزیع دارو در کشور است.»

❖ فاصله آمارهای رسمی با واقعیت بازار دارویی کشور
باین‌حال، داروسازان معتقدند سخنان پیرصالحی همه واقعیت بازار دارویی کشور را بازتاب نمی‌دهد و آمار ارائه‌شده با میزان کمبودهای موجود فاصله معناداری دارد.

«هادی احمدی»، سخنگوی انجمن داروسازان ایران، در گفت‌وگو با «پیام‌ما» می‌گوید تصویری که مسئولان از وضعیت کمبود دارو در کشور ارائه می‌کنند، تنها بخشی از واقعیت بازار دارویی است و نمی‌تواند مشکلاتی را که بیماران هر روز در داروخانه‌ها با آن مواجه‌اند، به‌طور کامل بازتاب دهد؛ «اگرچه آمار اعلام‌شده از نظر فنی نادرست نیست، اما به‌دلیل آنکه تنها به داروهای حیاتی و استراتژیک محدود می‌شود، این تصور را ایجاد می‌کند که مشکل کمبود دارو تقریباً برطرف شده است؛ درحالی‌که واقعیت بازار دارویی چیز دیگری است.» به گفته احمدی، در کشور حدود سه‌هزار و ۲۰۰ قلم دارو وجود دارد، اما مسئولان تنها درباره حدود ۸۰۰ قلم داروی حیاتی و استراتژیک آمار ارائه می‌کنند؛ «براساس همین شاخص نیز اعلام می‌شود که حدود ۴۵ تا ۵۰ قلم داروی حیاتی با کمبود مواجه است. این آمار در جای خود درست است، اما همه واقعیت را نشان نمی‌دهد؛ زیرا اگر کل سبد دارویی کشور ملاک قرار گیرد، همچنان حدود ۳۵۰ تا ۴۰۰ قلم دارو با کمبود روبه‌روست.»

سخنگوی انجمن داروسازان ایران با تأکید بر اینکه بیماران با آمار و ارقام زندگی نمی‌کنند و واقعیت را هنگام مراجعه به داروخانه‌ها لمس می‌کنند، می‌گوید: «زمانی که یک بیمار برای تهیه نسخه خود ناچار می‌شود چندین داروخانه را جست‌وجو کند و در نهایت نیز داروی مورد نیازش را پیدا نمی‌کند، طبیعی است که ادعای وجود تنها ۴۵ یا ۵۰ قلم کمبود برای او پذیرفتنی نباشد.»

به گفته احمدی، استفاده از آمار محدود مربوط به داروهای استراتژیک، تصویری خوش‌بینانه از وضعیت موجود ارائه می‌دهد و نمی‌تواند بیانگر شرایط واقعی بازار دارو باشد. باین‌حال، وضعیت بازار دارویی در مقایسه با ماه‌های گذشته تا حدودی بهبود یافته و میزان کمبودها کاهش پیدا کرده است، اما این به‌معنای پایان بحران نیست و همچنان صدها قلم دارو با کمبود مواجه‌اند.

❖ ریشه گرانی دارو

سخنگوی انجمن داروسازان ایران در ادامه به مسئله افزایش قیمت دارو در ماه‌های اخیر می‌پردازد و کاهش بودجه دارو، حذف ارز ترجیحی، کوتاهی بیمه‌ها در پوشش قیمت‌های جدید، بیماران پتروشیمی‌ها و افزایش قیمت مواد اولیه و بسته‌بندی را از دلایل آن می‌داند. احمدی توضیح می‌دهد: «بودجه ارزی دارو در سال ۱۴۰۵ نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. سال گذشته حدود سه‌ونیم میلیارد دلار برای حوزه دارو اختصاص یافته بود، اما امسال این رقم به سه میلیارد دلار رسیده است. از این میزان نیز حدود یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار به تجهیزات پزشکی و شیرخشک اختصاص دارد و تنها یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار برای دارو و مواد اولیه باقی می‌ماند. همین رقم نیز به‌طور کامل در اختیار بخش دارو قرار گرفته است؛ زیرا حدود ۴۰۰ میلیون دلار از آن صرف پرداخت تعهدات باقی‌مانده سال ۱۴۰۴ شده است. در نتیجه، بودجه واقعی در دسترس برای تأمین دارو در سال جاری به حدود یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار کاهش یافته است. این در حالی است که سازمان غذا و دارو برای تأمین نیازهای کشور، حدود دو میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار اعتبار درخواست کرده بود. همین

فاصله میان منابع مورد نیاز و منابع تخصیص یافته، منشأ بسیاری از مشکلات امروز بازار دارو است.» حذف ارز ترجیحی دارو به‌رغم تأکید بر ماندگاری آن به گفته این داروساز، کاهش منابع ارزی سبب شده است دولت ارز ترجیحی بسیاری از داروها را حذف کند؛ «داروهای بدون نسخه (OTC)، بسیاری از داروهای تحت لیسانس و بخش قابل‌توجهی از داروهای غیرمزمین، دیگر ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دریافت نمی‌کنند و به ارز تالار دوم منتقل شده‌اند که نرخ آن چندین برابر ارز ترجیحی است. به همین دلیل، قیمت این داروها به‌شکل محسوسی افزایش یافته و در برخی موارد چند برابر شده است.» احمدی تأکید می‌کند: «اگرچه مسئولان اعلام می‌کنند ارز ترجیحی دارو حذف نشده، اما در عمل این اتفاق برای بخش بزرگی از داروها رخ داده است. اکنون تنها تعداد محدودی از داروهای حیاتی، مانند برخی داروهای سرطان، بیماری‌های خاص و اقلام کاملاً استراتژیک، همچنان ارز ترجیحی دریافت می‌کنند و بخش عمده داروهای مصرفی مردم دیگر از این حمایت برخوردار نیستند. به همین دلیل، بیماران هنگام مراجعه به داروخانه‌ها با افزایش پنج تا شش‌برابری قیمت برخی داروها روبه‌رو می‌شوند.»

به اعتقاد سخنگوی انجمن داروسازان ایران، افزایش قیمت دارو تنها ناشی از حذف ارز ترجیحی نیست و هزینه مواد اولیه، مواد جانبی، اکسپایان‌ها و همچنین مواد بسته‌بندی نیز طی ماه‌های اخیر به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته است؛ «آسیب‌هایی که در جریان جنگ به برخی صنایع، ازجمله پتروشیمی‌ها و صنایع تولید آلومینیوم، وارد شد، موجب افزایش شدید قیمت مواد اولیه و بسته‌بندی دارو شد و این افزایش هزینه در نهایت به قیمت تمام‌شده دارو منتقل شده است. علاوه بر این، درمانان نرخ ارز نیز باعث شده است قیمت مواد اولیه به‌صورت مستمر تغییر کند و تولیدکنندگان امکان برنامه‌ریزی بلندمدت نداشته باشند.»

❖ انصراف از درمان به دلیل گرانی دارو

احمدی همچنین درباره پیامدهای اجتماعی و درمانی ادامه این روند ابراز نگرانی می‌کند و می‌گوید: «اگر قیمت دارو همچنان افزایش پیدا کند و حمایت بیمه‌ها نیز تقویت نشود، نخستین پیامد آن رها کردن درمان از سوی بیماران است. بسیاری از بیماران، به‌ویژه مبتلایان به بیماری‌های مزمن، زمانی که توان خرید دارو را از دست بدهند، مصرف آن را کاهش می‌دهند یا درمان را به‌طور کامل متوقف می‌کنند؛ اتفاقی که در نهایت به تشدید بیماری، افزایش بستری‌ها و تحمیل هزینه‌های بسیار سنگین‌تر به نظام سلامت منجر می‌شود.» او تأکید می‌کند: «درمان نباید به کالایی لوکس تبدیل شود و دسترسی به دارو باید برای همه شهروندان امکان‌پذیر باشد. سال‌ها در سیاست‌های کلان نظام سلامت بر این موضوع تأکید شده است که بیمار نباید جز رنج بیماری، غدغه دیگری داشته باشد، اما امروز بخش قابل‌توجهی از بیماران، بیش از آنکه نگران روند درمان خود باشند، نگران تأمین هزینه دارو هستند.» سخنگوی انجمن داروسازان ایران همچنین عملکرد بیمه‌ها در حمایت از بیماران را ناکافی توصیف می‌کند و معتقد است بخش مهمی از مشکلات موجود به ناترازی منابع و ضعف مدیریت در سازمان‌های بیمه‌گر بازمی‌گردد؛ «اگر نظام بیمه‌ای نتواند نقش حمایتی خود را ایفا کند و سیاست‌های تأمین دارو نیز اصلاح نشود، دسترسی مردم به دارو روزبه‌روز دشوارتر می‌شود و در نهایت، آسیب اصلی متوجه بیماران و کل نظام سلامت کشور خواهد بود.»

خبر

سخنگوی دولت:

ذخایر راهبردی دارو در وضعیت قابل‌قبول است



سخنگوی دولت با تأکید بر اینکه ذخایر راهبردی داروی کشور در وضعیت «قابل‌قبول» قرار دارد، از پیگیری دولت برای پرداخت مطالبات شرکت‌های دارویی و تسویه بدهی بیمه‌ها به وزارت بهداشت خبر داد.

فاطمه مهاجرانی درباره وضعیت تأمین دارو در کشور اظهار کرد: «ذخایر راهبردی دارو در وضعیت قابل‌قبولی قرار دارد و از این نظر مشکلی نداریم. عواملی ازجمله تحریم‌ها سبب برهم‌خوردن تعادل بازار دارویی کشور شده‌اند. با وجود اینکه گفته می‌شود تحریم‌ها مسائل نظامی را هدف قرار داده‌اند، نوبت نیز آنها متوجه مردم و سلامت آنان است.»

او درباره دیگر عوامل بروز مشکلات دارویی گفت: «آسیب‌دیدن برخی شرکت‌های دارویی در جنگ رمضان، محاصره دریایی و حمله به شماری از ناوگان‌های حمل‌دارو، از دیگر عوامل بروز مشکلات به شمار می‌آیند که البته تقریباً برطرف شده‌اند.»

سخنگوی دولت درباره پرداخت مطالبات شرکت‌های دارویی و راهکار دولت برای تأمین نقدینگی حوزه دارو توضیح داد: «بخشی از مطالبات شرکت‌های داروسازی در دوران جنگ پرداخت شد و باقی مطالبات این شرکت‌ها نیز به سرانجام می‌رسد. سازمان برنامه‌ویبودجه تأمین سرمایه در گردش شرکت‌های داروسازی را پیگیری می‌کند تا این شرکت‌ها، با توجه به مطالباتی که دارند، بتوانند فعالیت خود را به‌درستی ادامه دهند. خوداتکایی صنعت دارویی کشور قابل‌توجه است، اما در کنار آن باید بتوانیم مواد اولیه را نیز وارد کشور کنیم.»

مهاجرانی درباره تأثیر تغییرات نرخ ارز بر تأمین اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی گفت: «تمام موضوعات مرتبط با دارو و سلامت به‌طور معمول با دقت پیگیری می‌شوند تا کمترین آسیب به این حوزه وارد شود. نمی‌گوییم که در دوران جنگ آسیب ندیده‌ایم؛ طبیعی است که در برخی حوزه‌ها آسیب دیده‌ایم، اما تلاش می‌کنیم پیامدهای آن برای مردم به حداقل برسد.»

سخنگوی دولت درباره پرداخت مطالبات تأمین بهداشت از بیمه‌ها، به‌ویژه سازمان تأمین اجتماعی، توضیح داد: «وزیران بهداشت و رفاه، موضوع پرداخت مطالبات را با هماهنگی سازمان برنامه‌ویبودجه پیگیری می‌کنند. امیدواریم این مسئله هرچه زودتر برطرف شود.» | ایسنا

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان بوشهر آگهی تحدید حدود اختصاصی نظر به اینکه تحدید حدود از شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۶۳۵/۲۴ مترمربع به شماره پلاک ۷۴۰۲/۲۱۵۴ واقع در بخش سه بوشهر - بزرآباج - اراضی تنگ ارم مورد درخواست آقای حمید رحیمی از طرف مالک رسمی به ایشان واگذار گردیده‌است.نامبرده در اجرای موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی تقاضای ثبت نموده‌است وحسب تقاضای نامبرده که در اجرای ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی درخواست انتشار آگهی تحدید حدود نموده‌است در روز ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ در محل شروع بعمل خواهد‌آمد. ایکت بوسیله این آگهی از متقاضی و کلیه صاحبان املاک مجاور طبق ماده ۱۴ قانون ثبت دعوت می‌شود که در وقت مقرر در محل حضور بهم‌رسانند واخواهی مجاورین نسبت به حدود و حقوق ارتفاقی طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم پروتئمجلس تقدیمی تا ۳۰ روز پدرفیض خواهد شد ضمناً متعترضین مکلف است طبق تبصره ۲ ماده‌واحده قانون تعیین تکلیف پرونده‌های معترضین ثبتی مصوب ۱۳۷۳/۱۲/۲۱ و ماده ۸۶ آئین نامه اجرایی طرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت دادخواست به مرجع قضایی محل تسلیم‌دارد. تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
	حمیدرضا باقرپور- رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شهرستان دشتستان
	از طرف، مرتضی قاسمی
	شناسه آگهی: ۲۲۴۲۲۷۶

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۴۰۴۴۴/۰۶۰۶۰۰۰۱۳۹۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد راستپینه به شناسنامه شماره ۴۷۵ کد ملی ۴۳۲۱۹۴۷۵۲ در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع از اراضی روستای زرشک در پلاک ۵۱ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
	سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک تربت‌حیدریه
	شناسه آگهی: ۲۲۲۷۸۷۶ م ف: ۴۰۵۴۴۴

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد املاک آذربایجانغربی آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۲۳۹۷ و ۲۵۷۰ مورخ ۳۱ و ۰۹ و ۱۴۰۵/۰۴/۲۰ صادره هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلامعارض متقاضیان داشته باشند می‌توانند از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. ۱- آقای جواد خلیل‌پور به شماره شناسنامه ۹۴۸ و کد ملی ۲۸۳۰۳۹۱۱۷ صادره از ماکو فرزند قربان در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۵۵/۲۵ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۱۵- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای عباس و ذوالفقعی و حمداله هر سه کرمی پرونده‌ی کلاسه ۶۷۹ - ۱۴۰۴ ۲- آقای فرهاد مروئی میلا به شماره شناسنامه ۰ و کد ملی ۲۸۰۲۵۰۰۸۴ صادره از ماکو فرزند رسول در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای کامل جهاندیده پرونده‌ی کلاسه ۲۴- ۱۴۰۵ ۳- آقای محمد بابائزاد رندی به شماره شناسنامه ۱۷۳۷ و کد ملی ۲۸۳۰۳۰۶۱۴۲ صادره از ماکو فرزند غلامحسین در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۳/۶۶۲۲ متر مربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۲۷- اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای دیاله محمدزاده پرونده‌ی کلاسه ۹۳۵ - ۱۴۰۴
	تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی
	تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی
	عسگر اسماعیلی - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماکو
	شناسه آگهی: ۲۲۲۷۹۱۴

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۸ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی

عسگر اسماعیلی - سرپرست اداره ثبت‌اسناد و املاک ماکو

شناسه آگهی: ۲۲۲۷۹۱۴

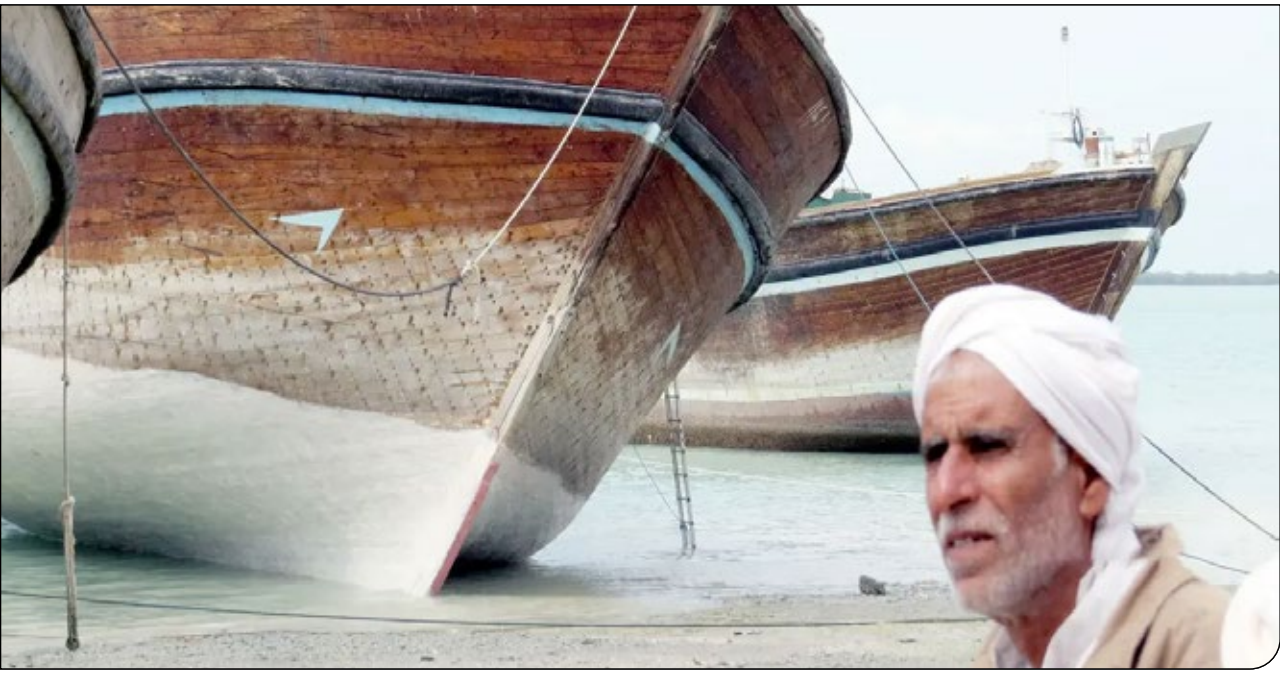
نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۴۰۴۴۴/۰۶۰۶۰۰۰۱۳۹۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای جواد روستائی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۳۴۲۵۳۰۶۹۰۰ صادره از تربت‌حیدریه در شش‌دانگ یکباب منزل به مساحت ۱۵۸/۲۱ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۳۵۲ فرعی از ۲۳۱ اصلی واقع در اراضی دیرقند دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک آقای علی اکبر شجاعی دیرقندی محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
	سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
	شناسه آگهی: ۲۲۲۸۵۴۲ م ف: ۴۰۵۴۵۵

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
	اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان قزوین اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۴۰۴۴۴/۰۶۰۶۰۰۰۱۳۹۷ مورخ ۳۱/۰۴/۱۴۰۵ و پرونده کلاسه ۲۲۶۲/۰۶۰۰۰۱۴۰۱۱۴۴۰ موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمد راستپینه به شناسنامه شماره ۴۷۵ کد ملی ۴۳۲۱۹۴۷۵۲ در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۲۰۰۰ مترمربع از اراضی روستای زرشک در پلاک ۵۱ اصلی واقع در قزوین بخش ۱۴ حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تأیید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۱۲
	شعبان عسگری
	رئیس ثبت‌اسناد و املاک
	شناسه آگهی: ۲۲۲۸۵۷۳

مؤسس «موزه گوران» از تلاش جامعه محلی برای احیای میراث دریایی قشم می‌گوید

«جایکا» رفت، ما ماندیم و لنج‌های چوبی

علی پوزن: آموزش‌های جایکا به تشکیل تعاونی ۹۹نفره و راه‌اندازی موزه فضای باز گوران کمک کرد حالا مردم محلی می‌کوشند با پیوند لنج‌سازی و گردشگری، این هنر کهن را به چرخه اقتصادی بازگردانند



-۳-۱۹-۱۹۹۹

قشم یکی از زیباترین جزایر ایران و تنها ژئوپارک جهانی کشور است؛ جزیره‌ای که با قصه‌ها، آیین‌ها و خرده‌فرهنگ‌های گوناگون پیوند خورده است.

یکی از جلوه‌های ارزشمند فرهنگ بومی قشم، ساخت شناورهای چوبی است؛ میراثی دریایی که امروز با خطر فراموشی و نابودی روبه‌روست. بااین‌حال، مردم جزیره با راه‌اندازی موزه فضای باز شناورهای چوبی، برای حفظ و معرفی این میراث ارزشمندگام برداشته‌اند.

سال‌ها پیش، «جایکا» یا آژانس همکاری‌های بین‌المللی ژاپن نیز با اجرای پروژه‌ای سه‌ساله، برای آموزش و توانمندسازی جامعه محلی وارد میدان شد. این پروژه دستاوردهای متعددی داشت که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تربیت کنشگران میراث فرهنگی و دریانوردانی بود که امروز با اصول راهنمایی گردشگران نیز به‌خوبی آشنایند.

دراین‌باره با «علی پوزن»، مؤسس موزه فضای باز شناورهای چوبی گوران در قشم، فعال گردشگری و کنشگر میراث فرهنگی، گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

❖ آموزش‌های جایکا چه تأثیری بر توانایی و مسیر حرفه‌ای فعالان بومی گردشگری قشم گذاشت؟

مستولان جایکا فعالیت‌ها و پروژه‌های مربوط به صنایع‌دستی را در لافت اجرا کردند. آن‌ها به فعالان تالاب جنگل حرا و روستاهای کوه‌ای، سهیلی، دехدخاو طبل آموزش‌های گردشگری ارائه دادند. مستولان، کارشناسان و مدرسان جایکا بسیاری از بومیان روستاهای جزیره قشم را آموزش دادند و اکنون این افراد جزو موفق‌ترین فعالان گردشگری جزیره هستند.

❖ تعاونی توسعه روستایی بندر تاریخی گوران و موزه فضای باز شناورهای چوبی چگونه شکل گرفتند؟

اکنون در گوران یک شرکت تعاونی برای روستا ایجاد کرده‌ام که ۹۹ نفر از مردم روستا عضو آن هستند و مدیریت آن را نیز بر عهده دارم. «تعاونی توسعه روستایی بندر تاریخی گوران» محلی برای دریافت مجوزها و تعریف فعالیت‌های مختلف برای روستای گوران شد. جایکا نیز پروژه ما را پذیرفت. سپس موزه گوران، یعنی موزه فضای باز شناورهای چوبی، ایجاد شد و زیر‌نظر این شرکت تعاونی فعالیت خود را آغاز کرد.

هدف ما از ایجاد این موزه، حفاظت از میراث لنج‌سازی و قایق‌سازی و احیای دریانوردی با شناورهای بادبانی در قشم بود. کسب درآمد برای مردم روستا و لنج‌سازان نیز از دیگر اهداف ما به شمار می‌رفت. **❖ جایکا چه حمایت‌هایی از طرح موزه گوران کرد و مهم‌ترین آموزه این همکاری برای شما چه بود؟** پس از پذیرفته‌شدن طرح پایلوت، جایکا حدود ۴۰ هزار

شناورهای چوبی گوران به‌صورت تعاونی و زیر نظر تعاونی گوران فعالیت می‌کند. تمام ساحل گوران به مساحت ۴٫۸ هکتار از سوی سازمان منطقه آزاد قشم به موزه اختصاص داده شده است. دوسوم این موزه در خشکی و یک‌سوم آن در دریا قرار دارد.

❖ چرا موزه گوران را یک «موزه زنده» می‌دانید و گردشگران در آن چه می‌بینند؟

همه این بخش‌ها موزه زنده گوران را تشکیل می‌دهند؛ جایی که گردشگران می‌توانند در دریا، جنگل و ساحل، اسکله‌ها، کسب‌وکار مردم بومی، تعمیر قایق‌ها و فعالیت کارگاه‌های لنج‌سازی را مشاهده کنند.

❖ لنج‌سازی چه جایگاهی در میراث فرهنگی مردم گوران دارد؟

اگر لنج‌ساز گورانی با جنوبی تاکنون صنعتگر معرفی می‌شد، امروز به‌عنوان هنرمند دیده می‌شود. مردم می‌دانند که لنج‌سازی یک هنر است، نه صرفاً یک کسب‌وکار در حقیقت، لنج‌سازی هنری است که سینه‌به‌سینه منتقل شده و باید همچنان حفظ شود و به نسل‌های بعدی آموزش داده شود. در هنر لنج‌سازی، لنج بدون استفاده از طرح یا نقشه کاغذی ساخته می‌شود. لنج‌سازی یکی از بزرگ‌ترین صنایع‌دستی جهان است.

❖ چگونه می‌توان دانش لنج‌سازی را حفظ کرد و به نسل‌های جوان‌تر انتقال داد؟

تلاش می‌کنیم این حرفه و هنر را وارد چرخه اقتصادی کنیم. زمانی که وارد چرخه اقتصادی شود، حفظ می‌شود و دیگر نیازی نیست برای نگه‌داشتن آن بچنگیم. ما این الگوی گردشگری را ایجاد کردیم تا شناورها از صفر در کارگاه‌های لنج‌سازی احیا شوند. فعالیت‌ها را در آغاز با ایده آقای «محمد گورانی»، از دوستان موزه، شروع کردیم. او طرحی ارائه کرد و آن را بازسازی کرد. پس از اجرای طرح او، دو نفر دیگر از دوستان نیز شناوری را احیا کردند و در نتیجه، سه شناور برای بازدید گردشگران در موزه قرار گرفت.

❖ بازگرداندن شناورهای چوبی به چرخه گردشگری با چه موانع قانونی و فنی روبه‌رو بود؟

چند سال با سازمان بنادر در تعامل و مذاکره بودیم تا تأییدیه این سازمان را برای شناورها دریافت کردیم. اداره بنادر آن زمان می‌گفت: «شما باید شناورها را از نو بسازید و برخی استانداردها را رعایت کنید تا بتوانیم اجازه ساخت این شناورها را بدهیم.»

ما گفتیم شهرهای فعال در صنعت گردشگری در سراسر دنیا از ظرفیت‌های بومی خود بهره می‌برند، اما ما همچنان از این ظرفیت‌ها بی‌بهره‌ایم. شناورهای ما را به قطر، دب، کویت و بحرین می‌برند. از سوی دیگر، زنگبار، هند، کزبه، بودروم، کشورهای اروپایی و خود آمریکا نیز از ظرفیت این شناورها برای گردشگری و تفریح استفاده می‌کنند. حتی کسانی که مقررات سازمان بین‌المللی دریانوردی یا «IMO» را تدوین می‌کنند و خود در اروپا و آمریکا ساکن هستند، سنت‌هایشان را حفظ می‌کنند و برای قوانینشان تبصره دارند؛ اما وقتی نوبت به ما می‌رسد، می‌گویند این مقررات وحی منزل است و باید استانداردهای جهانی رعایت شود.

چند سال پیگیر این موضوع بودیم و خوشبختانه توانستیم مسئولان را متقاعد کنیم. سازمان بنادر نیز مجوز ثبت موقت نخستین شناور چوبی گردشگری را برای ما صادر کرد و نخستین شناور چوبی گردشگری از نوع «نتر» را ساختیم.

❖ احیای شناورهای چوبی چگونه می‌تواند به رونق دوباره کارگاه‌های لنج‌سازی کمک کند؟

اکنون با سرمایه‌گذاری خصوصی من و دوستانم، در حال احیا و بازسازی شناورها هستیم. این کار می‌تواند اقدامی مؤثر برای ورود صنعت لنج‌سازی به چرخه اقتصادی باشد.

پس از انجام این اقدامات، می‌توانیم پرورنده‌ای تهیه کنیم و برای ثبت جهانی به یونسکو ارائه دهیم.

وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی و سازمان بنادر نیز باید از ما حمایت کنند و برای ساخت این شناورها تسهیلات کم‌بهره ارائه دهند تا بتوانیم کارگاه‌های بیشتری را در گوران احیا کنیم. زمانی که لنج‌سازی رونق بگیرد، مردم بومی و فعالان این

بوم‌گردی در ایران همچنان با چالش‌های جدی روبه‌رو است و بسیاری از بوم‌گردی‌ها گردش مالی مطلوبی ندارند. پذیرش این واقعیت از سوی صاحب بوم‌گردی، پیش از پاگذاشتن در این راه، نخستین مرحله است. البته این موضوع به‌معنای ناامیدی نیست، بلکه نقطه آغاز برنامه‌ریزی برای آینده است. به نظر می‌رسد کسی که پا در این راه می‌گذارد، باید خود را برای شرایط سخت اقتصادی آماده کند. افزایش پیش‌آگاهی کمک می‌کند شرایط دشوار تحمل‌پذیرتر شود.

بوم‌گردی زمانی از بحران‌ها قوی‌تر بیرون می‌آید و پادشکننده می‌شود که بداند پولش از کجا می‌آید، کجا خرج می‌شود و چگونه می‌تواند منابع درآمدی تازه و دارای ارزش افزوده ایجاد کند. پادشکنندگی در اقتصاد بوم‌گردی، بیش از هر چیز، حاصل شناخت دقیق وضعیت مالی، خلاقیت در کسب درآمد و استمرار در مسیر است.



صنعت. هنر ناچارند نیروی انسانی موردنیازشان را از میان مردم بومی استخدام کنند. این افراد نیز پس از چند سال کار در کنار استادکاران، هنر لنج‌سازی را می‌آموزند. با این اقدامات می‌توانیم این صنعت را از نسل کنونی به نسل آینده منتقل کنیم. درگاه بعدی نیز قصد داریم از مسئولان و مدیران دعوت کنیم تا از موزه ما دیدن کنند.

❖ میراث دریانوردی قشم چه روایت‌های تاریخی و فرهنگی ناشناخته‌ای در خود دارد؟

در قشم به‌اندازه‌ای داستان‌های واقعی و جذاب وجود دارد که دیگر نیازی به داستان‌های فانتزی نداریم. پیشینیان و نیاکان ما دریانوردان بسیار ماهری بودند. قشم و تنگه هرمز در گذشته از پایگاه‌های اصلی پادشاهی هرمز بودند. مردم بومی روستاهای مختلف، ۹ ماه از سال را در قشم نبودند و به کشورهای دیگر سفر می‌کردند.

تعداد زیادی از مردم بومی قشم با کشتی‌های بادبانی به سفر می‌رفتند؛ از هند و آفریقا گرفته تا مالزی و سرزمین‌های دیگر در این سفرها علاوه بر کالاهای تجاری، داشته‌های فرهنگی نیز جابه‌جا می‌شدند. مردم در مراوده با ساکنان دیگر کشورها، زبان می‌آموختند، با فرهنگ‌ها و کسب‌وکارهای مختلف آشنا می‌شدند و نگاه و جهان‌بینی جهانی‌تری پیدا می‌کردند.

نیاکان ما افرادی تاجرپسلك بودند که درعین‌حال همواره صلح می‌خواستند؛ چراکه برای برخورداری از تجارت پایدار باید صلح برقرار باشد. صلح، امانت‌داری، اخلاق و منش نیک، تجارت پایدار را به همراه می‌آورد. برای نمونه، می‌گویند جنوبی‌ها خون‌گرم هستند؛ زیرا برای موفقیت در تجارت و مذاکرات باید خون‌گرم و مردم‌دار باشید.

از سوی دیگر، این جزیره تنوع فرهنگی بالایی دارد. بیش از ۶۰ روستا با خرده‌فرهنگ‌های متنوع در این جزیره وجود دارند که هر یک جذابیت‌های منحصربه‌فرد خود را دارند. بسیاری از واژه‌های زبان بومی مردم روستاهای قشم، ریشه در واژه‌های فارسی باستان دارند

و این موضوع برای ایرانیان بسیار جذاب است.

❖ آیا توجه به نفت و گاز باعث شده است ارزش‌های فرهنگی و ظرفیت‌های گردشگری قشم در حاشیه قرار بگیرند؟

بله تجارت نفت و گاز با دیگر کشورها نیز در این زمینه مؤثر بوده است. ای‌کاش نفت و گاز نداشتیم. به‌هرروی، ما علاوه بر منابع طبیعی و زیرزمینی مانند نفت و گاز، میراث فرهنگی و خرده‌فرهنگ‌های بومی ارزشمندی نیز داریم که باید از آن‌ها حفاظت کنیم و در کانون توجه قرار دهیم؛ اما متأسفانه ارزش‌های فرهنگی‌مان در حال از دست رفتن است.

❖ چه عواملی هنر لنج‌سازی قشم را در معرض فراموشی قرار داده‌اند؟

لنج‌ها در حمل بار استفاده می‌شدند، اما اکنون کشتی‌های مدرن جایگزین لنج‌ها و کشتی‌های بادبانی شده‌اند.

❖ چه الگویی می‌تواند سرمایه‌گذاری، گردشگری و حفظ زندگی روستایی را در قشم به یکدیگر پیوند دهد؟

در ژاپن طرحی اجرا شده بود که بسیار جالب بود. در روستای «هیرگاشی»، دولت هم برای مردم اقدامات‌های بوم‌گردی ایجاد کرده بود و هم از کشاورزی حمایت می‌کرد. برای پشتیبانی از کشاورزی نیز الگویی طراحی کرده و اعتماد مردم را جلب کرده بود. برای نمونه، به مدت پنج سال به مردم اعلام کرده بود: «اگر موز و آناناس بکارید، محصولات شما را خریداری می‌کنیم.» به‌این‌ترتیب، هم شبکه خرید محصولات شکل گرفت و هم مهاجرت معکوس از شهر به روستا آغاز شد. بااین‌حال، جوانان همچنان دوست داشتند از روستا مهاجرت کنند. جوان می‌خواهد به شهر برود و زندگی مدرن را تجربه کند. این اتفاق باعث شد طرح دیگری بر مبنای الگوی بوم‌گردی اجرا شود. پیرمردان و پیرزنانی که در روستا می‌ماندند، در معرض افسردگی و تنهایی بودند؛ اما بوم‌گردی موجب شد گردشگران با مردم بومی ارتباط برقرار کنند و سالمندان روستا نیز از افسردگی و تنهایی رهایی یابند.

| یادداشت |

هفت مرحله تا پادشکندگی بوم‌گردی

مرحله چهار؛ حسابداری و تنوع درآمد



اسجاد حقیقت قهفرخی ا

ا کارشناس گردشگری ا

تا اینجا سه مرحله از مسیر پادشکندگی بوم‌گردی را مرور کردیم: ساختن مخاطب، ساختن روایت و تعیین ظرفیت تحمل. مرحله چهارم، حسابداری و تنوع درآمد است.

بسیاری معتقدند بوم‌گردی باید شغلی در کنار شغل اصلی باشد و اقتصاد خانواده نباید به آن وابسته شود. بسیاری از صاحبان بوم‌گردی نیز با همین نگاه وارد این حوزه شده‌اند؛ شغل و درآمدی داشته‌اند و بوم‌گردی را به‌عنوان فعالیتی مکمل آغاز کرده‌اند. اما واقعیت امروز چیز دیگری است. بوم‌گردی یک فعالیت تمام‌وقت است و اگر قرار است پایدار بماند، باید بتواند بر پایه اقتصاد خود بایستد. درست از همین نقطه است که حسابداری و تنوع درآمد در بوم‌گردی اهمیت پیدا می‌کند.

حسابداری تنها ثبت دارایی، هزینه و درآمد نیست؛ ابزاری برای شناخت کسب‌وکار است. صاحب بوم‌گردی باید دانش مالی لازم را بیاموزد یا از یک حسابدار کمک بگیرد. این کار هزینه نیست، بلکه سرمایه‌گذاری برای آینده است. بدون یک نظام مالی دقیق، نمی‌توان فهمید کدام بخش سودآور است، کدام بخش هزینه‌های غیرضروری دارد و منابع را چگونه باید مدیریت کرد. این موضوع ارتباطی با نوع نگاه به مفهوم بوم‌گردی ندارد. با هر رویکردی، یک بوم‌گردی به حسابداری دقیق نیاز

نوبت دوم	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
تراز اداره کل ثبت اسناد و املاک آذربایجانغربی	تراز آگهی موضوع ماده سه قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی برابر ر.ل شماره ۲۳۹۹ - ۱۳۹۸/۰۴/۲۱ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱ صادره هیات موضوع قانون تعین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان ماکو تصرف مالکانه و بلامعارض متقاضیان محرر گردیده است لذا مشخصات متقاضی و ملک مورد تقاضا به شرح زیر به‌منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتیکه اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند، می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ماکو تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند. ۱- آقای علی سیزی به شماره شناسنامه ۰ و ک ملی ۲۸۱۲۳۴۰۸ صادره از ماکو فرزند عمر در شش‌دانگ یک قطعه زمین مزبونی به مساحت ۱۳۰۰ مترمربع قسمتی از پلاک شماره - فرعی از ۱۰۵ - اصلی واقع در استان آذربایجانغربی بخش حوزه ثبت ملک شهرستان ماکو و از مورد مالکیت آقای مصطفی پوراحمد پورنده‌ی کلاسه ۷۶- ۱۴۰۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۰۴/۰۲/۱۴۰۵ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی	
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۰۵/۰۳/۱۴۰۵ در روزنامه محلی و روزنامه رسمی	
عسکر اسماعیلی	
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک ماکو	
شناسه آگهی: ۲۲۲۶۳۷۹	

آگهی مفقودی

سند و برگ سبز خودرو، خودرو سواری، سواری، سیستم؛ پیکان، تیپ؛ ۱۶۰۰ به رنگ: سفید - روغنی، مدل: ۱۳۸۰ به شماره موتور: ۸۱۲۸۰۶۵۶۱۰ و شماره شاسی: ۸۰۴۶۷۳۴۹ به شماره پلاک: ۶۳۲۲ ۱۱ ا ایران؛ به نام: عباس مرادی - شهر بابک مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهر بابک

